



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز عرض شد که در مسئله لحاظ استطاعت به طور کلی و به اعتقاد بنده و آن نظره عرفیه در آیه شریفه که می فرماید ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾<sup>۱</sup> این من استطاع الیه سبیلاً قسم اول از دو قسم تقید است. کاری به آیه قبل و تصریح آیه قبل نسبت به کیفیت استطاعت نداریم. آیه قبل می فرماید که ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾<sup>۲</sup> از هر بقعه‌ای در بقاع ارض و نقطه‌ای از نقاط ارض، فج عمیق یعنی همین دیگر، یأتوک رجالا با پای پیاده بیاید رجالا بیاید و علی کل ضامر یعنی به ای نحو کان و به ای قسم و به ای کیفیه و اذن فی الناس یأتوک، خوب در اینجا می بینیم که تصریح شده و تصریح به رجالا شده یعنی با مشی و همین طور با وسیله ناهموار شده، نه هواپیمای بیزینس کلاس امریکایی شیک با پذیرایی مخصوص و ویژه، نه، یأتوک رجالا و علی کل ضامر یعنی شتر از کار در رفته و لنگ که دارد می ماند، این جور باید بیایند به حج! ببینید این نکات، نکاتی است که فقیه باید این نکات را در نظر بگیرد و میزان اهتمام شارع را نسبت به تکلیف تشخیص بدهد، به این نحو است.

۱- سوره آل عمران (۳) آیه ۹۷

۲- سوره الحج (۲۲) آیه ۲۷

خب در این مسئله شما می‌بینید در مورد و لله علی الناس حج البيت من استطاع می‌آید حالا این دو آیه را شما در نظر بگیرید، ما سراغ روایات هم می‌رویم. در یک آیه می‌فرماید که و اذن فی الناس بالحج یا توك رجالا و علی کل ضامر یا تین من کل فج عمیق، از تمام نقاط بایستی که بیایند آیه صراحت و دلالت دارد به ایّ نحو کان، این طرف می‌فرماید که والله علی الناس حج البيت من استطاع هر کسی که می‌تواند این دو آیه را در نظر بگیرید استطاعت چه معنایی پیدا می‌کند همه یک آیه است دیگر، استطاعت می‌شود چی؟ به شرط هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ یا اینکه استطاعت می‌شود خر مرده، استطاعت می‌شود لنگان لنگان رفتن؟ کدام یک از این دو تا است؟ آیه صریح دارد می‌گوید من از خودم نمی‌گویم این صراحت آیه است آیه قرآن هم هست ابی بصیر و سکونی هم نقل نکردند خود آیه است و جبرئیل هم وحی آورده بر پیغمبر و نه سند خورده نه موثق و نه هیچی روایت مرسل و اینها هم نیست این استطاعت را چه فرموده؟ به معنای توان اگر شما توان داشتید برای کسی که توان دارد و می‌تواند این آن چیزی است که ما از آیه می‌فهمیم، اولاً بلا اول بدون مراجعه به روایت، بدون مراجعه به مردم و افکار مردم، ما هستیم و این آیه هم در زمان پیغمبر صلی الله علیه وآله آمد و ائمه علیهم السلام هم با همین قرآن با مردم صحبت می‌کردند، همین قرآن، این روش به اصطلاح تخاطب با مردم بود. حالا با توجه به این قضیه استفاده ما از این آیه، آیا رفتن به حج با اطمینان با استکانت با مهیا بودن همه چیز و با در اختیار داشتن همه وسایل و همه امکانات با آرامش خاطر نسبت به همه امور است؟ این استطاعت را شما شرط برای وجوب می‌دانید؟ پس این با صریح آیه چه می‌فرماید علی کل ضامر و یا توك رجالا با این چه می‌گویید؟ اگر این است معنا که می‌گویند که فرض کنید که زاد و راحله باشد و مؤنه برای عیال و

قوت عیال باشد و مؤنه برای برگشت هم باشد و در این جا بتواند تخلیه سرب و امثال ذلک و این مسائلی که در اینجا هست، ببیند با این کیفیت اگر باشد اگر این استطاعت مورد نظر هست این استطاعت را شما از کجا در می آورید و از کجا استفاده می کنید؟ آیه این را می گوید، روایت هم که ما هنوز نیامده ایم راجع به روایت صحبت کنیم ببینیم مقصود و منظور امام علیه السلام از تفسیر این استطاعت چیست؟ و اینها که رفتند پیش ائمه علیهم السلام سوال کردند چیست، در باره خود این آیه ما وقتی که صحبت کنیم من از شما سوال می کنم یعنی واقعا سوالم از شما این است، شما این دو آیه را در کنار هم می گذارید، این استطاعت آیا آن آیه تفسیر این استطاعت نیست؟ و اذن فی الناس بالحج یا توك رجالا و علی کل ضامر یا تین من کل فج عمیق؟ خوب این آیه که دیگر اخلاق و شعر و معر و اینها ندارد، حکم است دیگر، حکم صریح نسبت به این مسئله، این نسبت به این آیه.

پس استطاعت در اینجا به استطاعت به آن معنایی که می بینیم الان مصطلح است و در بین فقها مطرح است آیه آن استطاعت را نمی رساند این تا اینجا بحث مربوط به آیه حالا روایت بماند فعلا بحث روایت نداریم پس تا اینجا متوجه می شویم آنچه را که گفته شده است که شخص باید تحصیل زاد و راحله داشته باشد و بدون آن استطاعت حاصل نمی شود، مؤنه قوت عیال، مؤنه برگشت، مؤنه نمی دانم عمه خاله دایی نمی دانم این حرفها این چیزهایی را که الان مطرح هست در میان مردم و شنیده شده است که نعوذ بالله یک کسی هم بیاید در اینجا بگوید که آقا در اول سوال تو می توانی اسقاط استطاعت کنی!! آن که دیگر بماند، حالا مسئله بماند این استطاعتی که الان در میان عرف و عوام و اهل علم مطرح است قطعا این استطاعت با صریح آیات منافات دارد چون آیه

می فرماید مشیاً هم که شده باید بروی، علی کل ضامر شده هم باید بروی و این استطاعت با آن استطاعت منافات دارد و در مقابل هم قرار دارد. این بحث مربوط به استطاعت. البته همان طوری که عرض کردم نکات دیگری در اینجا هست که چرا ناس گفته، که اینها بحثهایش همه قبلاً شد.

حالا می آییم سراغ روایات:

که یکی سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است در مورد حج.

و دوم روایاتی که اینها به مخاطبین القاء کردند.

اگر یاد رفقا باشد در سابق گفتیم که حجی که رسول الله صلی الله علیه و آله انجام می دادند با اهل مدینه، بسیاری از آنها زاد و راحله نداشتند با پای پیاده می آمدند و بخاطر نداشتن زاد و مؤنه برای سفر در حال روزه با دانه خرما افطار می کردند، روایاتی که در زمان پیغمبر است از امام صادق و امام رضا علیهما السلام انشاء الله که یادمان نرفته در روایاتی که مربوط به کراء الغمیم در آنجا که آمدند و شکایت کردند، از تعب مشاة آمدند و شکایت کردند و رسول خدا دستور داد که در یک جا توقف کنند و تجدید قوا کنند و بعد دوباره حرکت کنند و به آنها گفت عیب ندارد شما عقب تر بیایید و هر جا خسته می شوید در آنجا توقف کنید و بیایید رسول الله صلی الله علیه و آله هفتاد فرسخ بین مدینه و مکه را با اصحاب خودش [به صورت] مشاة آمد و مشیاً طی کرد و وجوب حج را مشیاً به اینها القاء کرد، این وجوب کجای این زاد و راحله بود؟ و رسول خدا صلی الله علیه و آله کی دستور داد؟ مگر حکم حج در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله یا در زمان امام صادق علیه السلام فرق می کند؟ حج، حج است دیگر، اگر بر کسی واجب باشد واجب است اگر هم که نباشد که نباشد، دیگر این طور نیست

که زمان، اگر در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بگوید فقرا بودند بر فقرا که حج نیست! اگر معنای استطاعت این است، حالا در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله افراد تمکن نداشتند، خوب حج واجب نیست! مثل اینکه در زمان رسول خدا هر کسی دیسک بگیرد باید نماز ایستاده بخواند [ولی] در زمان امام صادق علیه السلام که می‌رسد باید بخوابد! کسی که دیسک می‌گیرد باید بگیرد بخوابد حالا چه زمان رسول الله باشد باید صلاه مستلقیا بخواند چه در زمان امام صادق باشد باید صلاه مستلقیا بخواند این فرق نمی‌کند مریض مریض است هر شخصی در زمان پیغمبر، و ان کتتم مریضا او علی سفر باید افطار بکند در زمان امام صادق هم باید بکند نه اینکه بگوییم احکام عوض شده. بعضیها آمدند این طور توجیه کرده اند!!

تلمیذ: مصالح صدر اسلام فرق دارد با مصالح وقتی که اسلام مستقر شد.  
استاد: ببینید آن مسئله مربوط می‌شود به آن کیفیت حج و شعائر بودنش و آن که باصطلاح کعبه و اینها خالی نباشد و زائر داشته باشد  
تلمیذ: می‌خواهم ببینم شما منظورتان غیر از آن است؟  
استاد: نه نه نه حتی آنهایی که این مسئله را گفتند اصلا این به اصطلاح نظرشان نبوده فقط این بوده که آنها چون فقیر بودند، لذا در آن موقع رسول الله اجازه داد. فقر، فقر است، فرق نمی‌کند چه در زمان پیغمبر است کسی که راه بیاید پایش درد می‌گیرد حالا کسی که در زمان پیغمبر است پایش درد نمی‌گیرد در زمان امام صادق یک دفعه درد زانو و آرتوروز و اینها پیدا می‌شود؟ هر دو مورد.

تلمیذ: این را نمی‌گوییم، می‌گوییم آن برای استقرار اسلام...  
استاد: برای استقرار اسلام، یک مسئله دیگر است که حاکم واجب است

در صورت خلوت بودن افرادی را بفرستد و اجبار کند از بیت المال هم بدهد آن یک مطب دیگر است که در آنجا هم صحبت شده، دیروز هم همین مطلب عرض شد که چطور در بعضی موارد... البته باز هم می‌آید چون شبهه‌ای که آیا این افراد حجشان حج صروره است یا حج استحبابی است ولی الزامی است به واسطه مصالح که در اینجا با توجه به جمع بین روایات که روایات می‌فرماید سه روایتی که از امام رضا علیه السلام است که انما فرض الله الحج مرة واحدة در جمع بین اینها خوب ما می‌توانیم بگوییم که منظور از روایاتی که دارد که بر حاکم اسلام واجب است در صورت خلوت بودن بیت و عدم ازدحام از حاج، افرادی را الزام کند برای حج و حتی اگر فقیر باشند از بیت المال بدهد.

تلمیذ: منظورم این نبود، منظورم این بود که چون در آن موقع اسلام تازه بود برای اینکه مکه شلوغ بشود و عده مسلمین زیاد بشود و در قبال کفار و مسلمین، اظهار قدرت کنند یعنی اعمال قدرت کند و باعث گسترش و استقرار اسلام بشود.

استاد: ببینید عرض بنده این است که حج حکم شرعی یسقط عند الاستطاعة و لایجب علیه الاعاده این شخصی که الان بخاطر مصلحت آمده با رسول خدا مشیاً بدون راحله که فرمایش امام صادق علیه السلام که الاستطاعة هو زاد و راحله بدون رسیدن به استطاعتی که امام صادق علیه السلام می‌فرماید البته قبلاً صحبت کردیم که اصلاً استطاعت زاد و راحله نیست و حتی مشیاً هم نیست و حتی امروز هم نمی‌دانم برسیم یا نه به آن روایاتی که دلالت می‌کند بر اینکه حتی ادنی از این هم باشد حج واجب است آنها هم در این زمینه ما داریم ما حالا به این کار نداریم ما فعلاً به روایت امام صادق علیه السلام کار داریم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید هو زاد و راحله و این در زمان رسول الله صلی الله علیه و

آله حاج به طور مشیاً خوب این مشاتی که به طور مشیا آمدند و رسیدند و به حدی بود که حتی قوت هم نداشتند از شدت گرسنگی بعضیهایشان به تعب افتادند و در عین حال رسول الله صلی الله علیه و آله اینها را آورد و اینها حجه الاسلام را انجام دادند آیا این حجه الاسلام مجزی است یا نه.

تلمیذ: مصالح عمومی

استاد: مصالح را، ببینید در وهله اول ما نسبت به اصل حکم ما نسبت به اصل حکم نگاه می‌کنیم که این حجی که الان انجام داد از دو حال خارج نیست یا حجه الاسلام هست یا نه اگر حجه الاسلام هست پس بنابراین این حجه الاسلام بدون شرایط انجام داده چطور مسقط است اگر حجه الاسلام نیست چرا رسول خدا نگفت دوباره باید حج را انجام بدهی؟ مگر در مورد افراد دیگر مثلاً در مورد غلام ما نداریم که اذا اعتق یجب علیه الاعاده

تلمیذ: استحباب که....

استاد: مستحب نه، واجب ما بحثمان بحث وجوب است در مورد صبی در مورد مراهق مگر ما نداریم که اذا بلغ یجب علیه الاعاده در مورد ناصبی به اصطلاح وقتی که حج انجام می‌دهد مگر نداریم یجب علیه الاعاده وقتی که مستبصر بشود در مورد کسی که او را ببرند نه اینکه بذل مال کنند فرق می‌کند یک وقتی یک شخصی بذل مال می‌کند هبه می‌کند شخص تملک می‌کند یک وقتی نه می‌گوید بیا با خودمان برویم ما داریم با ماشین می‌رویم تو هم بیا سوار شو برویم برای کسی که او را می‌برند، مگر نداریم واجب است که برود و اگر مستطیع شد واجب است دوباره اعاده کند غیر از کسی است که بذل مال است در صورت بذل مال لایجب علیه الاعاده ولی در این صورت واجب است خوب اینها واجب است یعنی چه؟ یعنی آن حکم اول آن حجه الاسلام لولائیه است اگر

مستطیع نشدی آن حجّ حجه الاسلام و الا این حجه الاسلام به حساب نمی آید حالا این فردی که مشیا با رسول الله رفته و حجّ را انجام داده آیا این فرد اگر بعداً زاد و راحله پیدا کند یجب علیه الاعاده او لا؟ جواب من را بدهید نمی توانید شما بگوئید یجب علیه الاعاده! آن حکمی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در آنجا کرد و ارتباطی که پیغمبر صلی الله علیه و آله داشت و آن برخورداری که پیغمبر داشت برخوردار حجه الاسلام بود این افراد بیایند و حجه الاسلام، هیچ ما نداریم که رسول الله صلی الله علیه و آله به آنها گفته باشد که اگر زاد و راحله پیدا کردید و وضعتان خوب شد دوباره باید انجام بدهید، این یک مطلب دیگر است ان الله فرض الحجّ علی اهل جده فی کل سنه آن یک بحثی است که حالا ما می آییم آن را می خوانیم یعنی بحث بحث دقیق است ولی اینکه بیاید رسول الله صلی الله علیه و آله بگوید، این را من قبول ندارم، به عنوان حجه الاسلام به عنوان مصالح بیاید حالا اگر هم شده پر کنید و همه چشم اینها را بگیرد و همه ببینند که حجّ به اصطلاح چیز شده و این حرفها، فعلا بیاید ولی بعدا وقتی که دیگر همه آمدند آن موقع دیگر تکلیف مجدد برای شما عارض می شود، در صورت استطاعت تکلیف مجدد پیدا می کنید. چطور اینکه خیلی از افراد می گویند طرف رفته به عنوان اینکه آشپز کاروان می گویند که آقا رفتی ولیکن دوباره باید بروی انجام بدهی اگر که مستطیع بشوی مگر نمی گویند؟ الان خوب می گویند دیگر! یا اینکه طرف فرض کنید که رفته به عنوان مُبَلَّغ می گویند اشکال ندارد ولی بعدا که مستطیع می شوی دوباره باید انجام بدهی، رفته و همین طور به عنوان پزشک رفته فرض کنید که می گویند دوباره باید برود ما که تمام اینها را گفتیم اینها حجه الاسلام هستند، همه اینها حجه الاسلامند.

ولی صحبت در این است که حجّی که مشیا در زمان رسول الله صلی الله

علیه و آله آن هم با این کیفیت بود آیا حجه الاسلام بوده یا نبوده؟ خوب قطعا بوده، وقتی قطعا بوده چطور با روایت امام صادق علیه السلام که می فرماید هو زاد و راحله این جور در می آید؟  
انشاءالله برای فردا.